



Standardization for motion picture judging using the tacit knowledge of judges and experts

Hassan Khojasteh , Professor of the Radio Department of the University of Broadcasting and Broadcasting. Email: khojasteh@iribu.ac.ir.

Alireza Dabbagh , Lecturer at Islamic Azad University and Ahad International University of Kish and Tehran School of News. Email: lrz.dabbagh@gmail.com.

ABSTRACT

Introduction: Despite the importance of evaluating and judging cultural and artistic products, the lack of objective and clear criteria in film festivals, especially in Fajr Film Festival, has caused a lot of complaints and confusion among artists, and this important cultural, artistic and has faced many challenges.

Objective: The first question that must be answered to evaluate movies is, what are the criteria for evaluating or judging the film? Unfortunately, there is no clear answer in this regard, and judges always use their knowledge and lived experience in judging without a brief or extensive explanation of the reasons for choosing or not choosing a film. Even if the arbitrator or group of arbitrators change, the selections and results of the arbitrator may also change. The reason for this is the lack of clear criteria for judging. Therefore, each judge makes criteria for himself based on the findings and aesthetic criteria he has for an art product and judges based on that. For this reason, in this research, an effort has been made to achieve the goal of turning the tacit knowledge of film festival judges and cinema experts into objective and explicit knowledge and providing clear criteria for evaluating movies and their jobs.

Method: This research has a qualitative approach and has used “database theory” as a research method. For this purpose, by using interviews, which is the most common method of extracting tacit knowledge at the individual level, the opinions of a group of experts related to the field of filmmaking, who have the record of judging various festivals, were collected, categorized and analyzed.

Results: Based on the collected data, criteria and indicators have been determined for each of the awards for the main filmmaking jobs. These criteria, which can be used in film festivals, are as follows in each section:

Production: attention to the cultural needs of the society, creativity, importance of the subject, issues affecting the society, audience friendliness

Cinematography: framing, image aesthetics, paying attention to the world of the text, helping the director to create the desired atmosphere, mastering the tools and technology, light and technique

Screenwriting: importance of idea and subject, characterization, power of dialogue, plot, structure

Direction: creativity, decoupage, mise-en-scène, story processing, paying attention to the cultural priorities of society

Acting: mastery of the body and physical capacities in playing a role, awareness of one's individual capacity, mastery of speech in expressing dialogues,

Attention to the world of the script, attention to the hidden details of the role

Suggestions: Based on the obtained results, in addition to presenting a basic suggestion and two correction suggestions, the application of indicators for conducting the judging process in the Fajr Film Festival has been emphasized with two conditions in the structural reform of the selection of selected works: the first condition is that the indicators Creating should not cause a qualitative process to become quantitative, and another condition is that the creation of indexes should not be considered as a monitoring tool to apply the opinion of managers and influence the artistic view of judges. Considering the mentioned conditions, it is suggested that the evaluation criteria of the movies in the desired jobs should be specified and informed to the participants through discussion with the judges before the festival, and university professors or critics who, in addition to paying attention to The formalist approach, they also pay attention to theoretical minutes, should be used in the group of judges.

Key words

festival judging, indexing, cinematography, criterion, Fajr Film Festival



معیارسازی برای داوری فیلم سینمایی با استفاده از دانش ضمنی داوران و کارشناسان

حسن خجسته^۱، علیرضا دباغ^۲

چکیده

با وجود اهمیت ارزشیابی و داوری محصولات فرهنگی، هنری فقدان معیارهای عینی و روشن در جشنواره‌های سینمایی، به‌خصوص جشنواره فیلم فجر از جمله مسائل حاشیه‌ساز این رویداد مهم فرهنگی، هنری و مایه‌گلایه و ابهام بخش زیادی از جامعه هنری است. در این پژوهش تلاش شده تا دانش ضمنی داوران جشنواره سینمایی و کارشناسان سینما را به دانشی عینی و صریح تبدیل نماید و معیارهای روشنی برای ارزیابی فیلم‌های سینمایی و مشاغل آن ارائه نماید. این پژوهش دارای رویکرد کیفی است و از «نظریه داده‌بنیاد» به‌عنوان روش پژوهش استفاده کرده است. برای این منظور با استفاده از مصاحبه که رایج‌ترین روش استخراج دانش ضمنی در سطح فردی است، نظرات جمعی از خبرگان مشاغل مرتبط با حوزه فیلم‌سازی که سوابق داوری جشنواره‌های مختلف را داشته‌اند گردآوری، دسته‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در مجموع به معیار و شاخص‌های ۵ جایزه اصلی جشنواره شامل تهیه‌کنندگی، فیلم‌برداری، فیلم‌نامه‌نویسی، کارگردانی و بازیگری دست یافته که می‌تواند مورد استفاده در جشنواره‌های فیلم قرار گیرد. بر پایه نتایج به‌دست‌آمده ضمن ارائه یک پیشنهاد بنیادین و دو پیشنهاد اصلاحی، اعمال شاخص برای انجام فرایند داوری در جشنواره فیلم فجر با شرایطی در اصلاح ساختاری انتخاب آثار برگزیده مورد تأکید قرار گرفته است. در همین رابطه پیشنهاد می‌شود معیارهای ارزیابی فیلم‌های سینمایی در مشاغل مورد نظر پیش از برگزاری جشنواره از طریق بحث و گفتگو با داوران، مشخص و به اطلاع شرکت‌کنندگان رسانده شود و از اساتید دانشگاه یا منتقدانی که علاوه بر توجه به رویکرد فرمالیستی، به دقایق نظری نیز توجه دارند، در گروه داوران استفاده شود.

واژگان کلیدی

داوری جشنواره، شاخص‌سازی، فیلم سینمایی، معیار، جشنواره فیلم فجر.

مقدمه

ارزشیابی و داوری محصولات فرهنگی، هنری از آن جهت مهم است که می‌تواند موجب رشد و بالندگی محصول، فرایند تولید و ارتقاء کارگزاران و پدیدآورندگان آن باشد. هرچه دقت و کیفیت ارزشیابی بیشتر باشد، از نتایج آن می‌توان رشد و شکوفایی را انتظار داشت. ارزشیابی و داوری در مراحل قبل از تولید محصول، در هنگام تولید و پس از تولید صورت می‌گیرد و هرکدام کارکرد و نقش خاصی دارند. در جشنواره‌های سینمایی غالباً ارزشیابی و داوری پس از تولید را در دستور کار قرار می‌دهند و براساس نتایج آن جوایز گوناگونی توزیع می‌شود. تمام جشنواره‌های سینمایی در ایران از جمله مهم‌ترین آن، جشنواره فجر از همین الگو استفاده می‌کنند ولی در داوری‌ها معیار عینی و روشنی وجود ندارد و غالباً متکی بر ادراک کارشناسان و داوران، یعنی دانش ضمنی است و معلوم نیست ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناسی در هر گروه داوران چه گونه مورد توجه و ارزشیابی قرار می‌گیرد. این ابهام همواره نه تنها موجب بحث و جدل می‌شود بلکه گاهی نارضایتی‌های زیادی را نیز سبب می‌گردد. تعیین شاخص‌ها و معیارهای روشن می‌تواند مسیر داوری و ارزشیابی فیلم‌های سینمایی را هموار سازد و به داوری جشنواره‌های سینمایی اعتبار کافی ببخشد.

این پژوهش درصدد است با استفاده از مصاحبه دانش ضمنی داوران جشنواره سینمایی و کارشناسان سینما را به دانشی عینی و صریح تبدیل نماید و معیارهای روشنی برای ارزیابی فیلم‌های سینمایی و مشاغل آن ارائه نماید.

نخستین پرسشی که برای ارزشیابی فیلم‌های سینمایی باید به آن پاسخ داد، این است که معیارهای ارزشیابی یا داوری فیلم چیست؟ متأسفانه پاسخ روشنی وجود ندارد و همواره داوران از دانش و تجربه زیسته خود در داوری استفاده می‌کنند بدون این که توضیح مختصر یا مبسوطی درباره دلایل انتخاب یا عدم انتخاب یک فیلم وجود داشته باشد. حتی اگر داور یا گروه داوران تغییر کنند ممکن است انتخاب‌ها و نتایج داوری نیز تغییر کند. دلیل این امر، عدم وجود معیار روشن برای داوری است لذا هر داور بر اساس یافته‌ها و معیارهای زیبایی‌شناسی که نسبت به یک محصول هنری دارد برای خود معیارهایی می‌سازد و بر آن اساس، قضاوت می‌کند.

امتیازگذاری در حوزه فرهنگ و محصولات فرهنگی از امور سهل و ممتنع است. برای قضاوت و داوری معیارها و ارزش‌های هنری را می‌توان به سهولت مبنا قرار داد ولی نباید فراموش کرد که ادراک افراد از تطبیق یک معیار کیفی با محصولاتی که

ماهیت کیفی دارند چندان یکنواخت و ساده نیست؛ و ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناسی هر فرد ممکن است در درجات متفاوتی قرار داشته باشد. از طرفی دیگر اگر معیارهای روشنی وجود نداشته باشد، قضاوت و داوری را تابع سلیقه و دریافت فرد می‌کند و فقط وجوهی موردتوجه قرار می‌گیرد که برای شخص مهم است، هرچند وجوه دیگر نیز دارای اهمیت باشند و یا ممکن است به همه وجوه توجه شود اما قدر و اندازه هر یک به درستی موردنظر قرار نگیرد. لذا وجود معیارهای روشن برای داوری و ارزیابی منصفانه اولین و اصلی‌ترین قدم است که باید موردتوجه قرار گیرد.

باوجود سابقه طولانی برگزاری جشنواره‌های سینمایی ازجمله جشنواره فیلم فجر، به نظر می‌رسد هنوز ملاک‌های ارزشیابی فیلم‌های سینمایی در جشنواره‌های گذشته تاکنون به‌صورت مستدل، مکتوب و منسجم شناسایی و استخراج نشده است و این ملاک‌ها در سطحی ذهنی در سینه داورانی که در ادوار مختلف به ارزشیابی فیلم‌های سینمایی پرداخته‌اند، باقی مانده است. این موضوع سبب شده است که انباشتی از دانش داوران پیشین در زمینه ارزشیابی فیلم‌های سینمایی شکل نگیرد؛ به عبارت دیگر، داوران جدیدی که در سال‌های بعدی به عنوان هیئت داوران جشنواره انتخاب شده‌اند، از این امکان برخوردار نیستند که دریابند همکارانشان در ادوار گذشته به کدام یک از شاخص‌ها یا معیارهای مختلف ارزشیابی فیلم‌ها توجه کرده‌اند و چه مواردی را ملاک داوری خود درباره فیلم‌ها قرار داده‌اند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا با استفاده از روش‌های مناسب، دانش ضمنی کارشناسان و داوران فیلم‌های سینمایی به محتوایی صریح تبدیل شود به‌صورتی که بتواند در دسترس همگان قرار گیرد. بدین ترتیب نقد و بررسی فیلم‌ها و محصولات سینمایی با دقت بیشتری صورت می‌گیرد و ادله روشنی برای رد یا تأیید نتایج داوری وجود خواهد داشت.

نظر به اهمیت موضوع و لزوم کاربردی بودن نتایج تحقیق، تبدیل دانش ضمنی کارشناسان و داوران جشنواره فیلم فجر درباره معیارهای کیفیت و زیبایی‌شناختی فیلم‌های سینمایی به دانشی عینی برای تدوین شاخصه‌های انتخاب آثار و برترین‌های فیلم‌ها به‌عنوان هدف کلی این تحقیق تعیین شده که در پاسخ به نیازی است که فقدان آن از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی احساس می‌شود. در کنار آن اهداف فرعی نظیر شناخت شاخص‌هایی ارزیابی فیلم‌ها در بخش تهیه‌کنندگی، فیلم‌برداری، نویسندگی، کارگردانی و بازیگری هم در نظر گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

مرور اولیه ارزشیابی فیلم‌های سینمایی در ادوار گذشته جشنواره فیلم فجر، نشان می‌دهد که تقریباً مطالعاتی قابل‌اتکا درباره کلیت برگزاری جشنواره، روش‌های داوری فیلم‌های سینمایی، فرآیند و اصول انتخاب داوران، دستاوردهای حاصل از هر دوره برگزاری و مواردی از این قبیل وجود ندارد. با این حال پیشینه تحقیق از دو منظر داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته است.

مهم‌ترین تحقیق داخلی که بیشترین نزدیکی را از لحاظ موضوع و روش‌شناسی به تحقیق حاضر دارد، پژوهشی است با عنوان: «تعیین شاخص و معیارهای کیفیت آثار سینمایی» که توسط محمود اربابی و احمد امین‌فرد صورت گرفته است. در این تحقیق ابتدا درباره شاخص تعاریفی ذکر و سپس برای شاخص‌ها سلسله‌مراتبی ارائه شده است که تابع سلسله‌مراتبی سه سطحی است:

«سطح اول شاخص‌های کلان؛ مانند شاخص‌های فرهنگی توسعه یا شاخص‌های قوانین فرهنگی.

سطح دوم: شاخص‌های میانی مثل شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری نتایج سیاست‌های سازمانی مثل بنیاد سینمایی فارابی به کار می‌رود.

سطح سوم: شاخص‌های خردمانند شاخص‌های تعریف‌شده برای اندازه‌گیری نتایج به‌دست‌آمده از یک فیلم سینمایی خاص.

این شاخص‌ها در سطوح مختلف با یکدیگر دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند. به‌عنوان مثال شاخص تعیین‌کننده میزان تأثیر اجتماعی یک فیلم سینمایی، می‌تواند هم در سطح خرد و هم در سطح کلان نشان داده شود ولی شاخص‌های تعریف‌شده برای هر سطح متفاوت با سطح دیگر است.»

در میان پژوهش‌های خارجی مقاله‌ای از «کریس ماتیو» و «مارتین بارتلسن»، با عنوان «خلاقیت در کار هیئت‌داوران جشنواره فیلم» از مدرسه تجاری کپنهاک مشابیهت‌هایی با موضوع این پژوهش دارد. این مقاله شامل تجربیات ۱۲ کارگردان دانمارکی است که در ۷۰ جشنواره فیلم از جشنواره‌های گروه الف تا جشنواره‌های جزئی، داستان، کوتاه و ژانر فیلم داوری کرده‌اند. بیشتر آن‌ها دست‌کم در داوری یک جشنواره فیلم چون کن، برلین، ونیز، تورنتو، ساندنس، بوسان، سن سباستین، کارلی وری، آمستردام یا کپنهاک (دو جشنواره آخر به جشنواره فیلم‌های مستند معروف هستند) شرکت داشته‌اند.

در داوری دو چیز اهمیت اساسی دارد- ترکیب داوران و فرایندی که در مورد آن

قضاوت می‌کنند. داوران به لحاظ ترکیب، دو نوع هستند: داوران متخصص یا هیئت‌علمی. داوران هیئت عملی در مورد هنجارهای گروه‌های اجتماعی که همالان از آن آمده‌اند را ارزیابی می‌کنند و داوران متخصص، فیلم‌هایی را ارزیابی می‌کنند که نیازمند دانش، بینش، یا تجربیاتی است که فراتر از توافقات رایج یا غلط است، اما همچنین ارزیابی صرفاً فنی را انجام می‌دهد.

در سه مورد ذیل معیارها و فرایندهای ارزشیابی نشان داده شده است؛ که هر سه از رایج‌ترین معیارهای ارزیابی‌اند که توسط خبرنگاران موردبحث قرار گرفته‌اند: نوآوری و ظرافت؛ سلسله‌مراتب ژانر؛ و اجراهای فردی و جمعی (Mathieu, Barstelsen: 2011). همچنین بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد استخراج دانش ضمنی به شکل‌های مختلف قابل استخراج و ثبت است ولی کار راحت و ساده‌ای نیست زیرا افراد به راحتی نمی‌توانند دانش ضمنی خود را به دیگران منتقل کنند.

پژوهش‌های گوناگونی درباره تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح و عینی وجود دارد که غالباً درباره سازمان‌ها و دانش سازمانی است و از توجه به حوزه‌های هنری مخصوصاً سینما غفلت شده است. با این حال روش‌های متعددی برای استخراج دانش ضمنی وجود دارد و در ایران تجربه شده است از جمله پژوهشی که دیدگاه‌های مدیران را برای طراحی ساختار نظام مستندسازی تجربیات سازمانی آن‌ها مورد مطالعه قرار داده است. با توجه به نتایج پژوهش نظام مستندسازی، دانش مدیران شامل شش مرحله است: ثبت تجربه، ارسال تجربه به مرکز مستندسازی، ارزیابی تجربه، مستندسازی و ذخیره تجربه، انتشار تجربه و حقوق و پاداش صاحب تجربه می‌باشد. (الهی، بهاریفر، صالحی، ۱۳۸۳).

در پژوهشی دیگر، فرایند استخراج دانش ضمنی مدیران صنعت پتروشیمی ایران را در قالب مطالعه موردی بررسی کردند. نتایج نشان داد شناخت و آماده‌سازی تیم، اولین مرحله در استخراج دانش بود که شامل: تجهیز و راه‌اندازی تیم، مطالعات تطبیقی و موضوع‌شناسی بود. در مرحله دوم، دانش کسب و مستندسازی شد. این مرحله شامل انجام مصاحبه با خبرگان و نگارش متن بود. در مرحله سوم، مصاحبه مجدد برگزار و متن نهایی تدوین و ارائه گردید (رضویان و متولیان، ۱۳۸۵).

در پیمایشی دیگر، «دیدگاه‌های خبرگان مدیریت دانش درباره معیارها و تکنیک‌های کسب دانش» بررسی شد. نتایج نشان داد دانش خبرگان در شش مرحله قابل کسب است: شناخت حوزه دانش خبره، تعامل و پیش‌مصاحبه، جلسات اکتساب دانش، پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل، دسته‌بندی و کدبندی دانش. این فرایند منتج از

روش ترکیبی ساخت‌یافته بود که متشکل از چهار روش مصاحبه، آموزش معکوس، پلکان‌سازی و شبکه مفاهیم است. (نظافتی، رشیدی، قیچی فرد، ۱۳۹۵).

مبانی نظری پژوهش

در این بخش سه موضوع مورد بحث واقع می‌شود تا مسیر پژوهش را روشن کند: مباحث مربوط به دانش ضمنی و عینی و شیوه‌های تبدیل دانش ضمنی به عینی، موضوع دیگر وجوه ارزشیابی محصولات فرهنگی و سرانجام شاخص ارزشیابی و شیوه‌های تولید آن.

دانش ضمنی و دانش عینی

دانش ضمنی^۱ در تقابل با دانش صریح^۲ استدلالی^۳ و گزاره^۴ قرار دارد. مسئله دانش ضمنی یکی از مهم‌ترین مباحث امروزی فلسفه است اما این بدان معنا نیست که اندیشمندان به تعریف مشخص و واحدی از آن رسیده‌اند. دانش ضمنی اشاره به سلسله مسائل نظری و روش‌شناختی در قلمروی وسیعی از رشته‌های دانشگاهی از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت، زبانی، روانشناسی و علوم مطالعات فرهنگی دارد. دانش ضمنی منجر به از میان رفتن مرزهای صریح میان رشته‌های مختلف دانش بشری و همچنین میان زندگی روزمره و دانش دانشگاهی خواهد شد. از دانش ضمنی می‌توان در مطالعات فرهنگی، ادبی و رسانه‌ای به‌منظور گشودن راهی جدید در آن‌ها استفاده کرد (بهلولی فسخودی، ۱۳۹۸).

نخستین بار، مایکل پولانی با تصریح به اینکه «ما بیش از آنچه می‌توانیم بگوییم می‌دانیم»، مفهوم دانش ضمنی را مطرح و دانش ضمنی را جزء لاینفک دانش و قدرت بنیادین ذهن معرفی کرد. ویژگی‌هایی که او برای دانش ضمنی برمی‌شمرد عبارت‌اند از عملی بودن، وابستگی به زمینه خاص خود، متمرکز بر چگونگی و دشواری کدگذاری، کمی شدن و انتقال به دیگران. به اعتقاد وی، دانش ضمنی در حوزه شخصی جادارد و متضمن تلاقی میان فرد و فرهنگی است که بدان تعلق دارد (McAdam, Mason & 2007). از دیدگاه پولانی، دانش ضمنی را فقط به‌صورت ضمنی می‌توان آموخت. این امر از تلقی پولانی از دانش ضمنی به‌مثابه نیروی ضمنی ذهن و قدرت تلفیق و درک آن سرچشمه گرفته است. (Polany, 1958)

1. Knowledge Tacit
2. Explicit Knowledge
3. Discursive
4. Propositional

دانش ضمنی، ماهیت پیچیده و نامشهودی دارد بنابراین انتقال آن به آسانی و یکباره انجام نمی‌شود. روابط نزدیک ترویج ارتباطات عمیق و تسهیل مبادله اطلاعات جزئی میان دو طرف را به همراه دارد. علاوه بر آن، به افراد فرصت بیشتری می‌دهد تا از طریق تماس‌های رودررو و فیزیکی در احساسات، انگیزه‌ها، تجارب جمعی و الگوهای ذهنی یکدیگر سهیم شوند. روابط نزدیک، به گیرنده فرصت دستیابی به عمق فرایند عملیات عرضه‌کننده را می‌دهد، بنابراین آن‌ها می‌توانند از برنامه‌ها، الگوها یا فرهنگ سازمانی عرضه‌کننده پیروی کنند (Cavusgil, Calantone and zhao, 2003).

مکانیسم تبدیلی دانش ضمنی به دانش صریح یا عینی

از دیدگاه نوناکا و تاکوچی، برای انتقال دانش ضمنی و تسهیل بهره‌وری از آن، باید آن را به کلمات و اعداد تبدیل کرد تا همه افراد بتوانند به راحتی آن را درک کنند و به کارگیرند. از نظر آنان تا زمانی که دانش ضمنی به دانش آشکار تبدیل نشود، بهره‌گیری از اطلاعات و نگرش‌های صرفاً شخصی ارزش چندانی نخواهد داشت. آن‌ها سه ویژگی درباره نحوه تبدیل دانش ضمنی به دانش آشکار بر می‌شمرند: اول؛ بیان مطالب ضمنی از طریق زبان مجازی و علائم نمادین، دوم: ضرورت انتقال دانش شخصی فرد به افراد دیگر، سوم؛ تجلی دانش ضمنی در خلال ابهام‌زدایی و تکرار مکررات (نسخه‌برداری‌های مکرر).

«دانش شخصی فرد» از خلال گفت‌وگو، تعاملات رودررو، مناظره و مباحثه، تسهیم تجارب و مشاهده جریان می‌یابد و به دیگران منتقل می‌شود. «ابهام‌زدایی» از مضامین ضمنی، منبعی برای مفاهیم تازه به شمار می‌رود و روشی نوین در استدلال منطقی می‌گشاید. تکرار مکررات (نسخه‌برداری‌های مکرر)، زمینه مناسبی برای برخورد آراء و نظرات گوناگون و متعدد فراهم می‌کند. از آنجاکه تکرار موجب تقویت گفت‌وگوها و ارتباطات مکرر می‌شود، به خلق زمینه ذهنی مشترک میان افراد کمک می‌کند و با تبادل مداوم دیدگاه‌ها و نقطه نظرات به تسهیل انتقال دانش ضمنی می‌انجامد. به این ترتیب، تکرار به شفاف‌تر شدن دانش ضمنی کمک می‌کند و آن را به شکل بندی در قالب کلمات و کدها سوق می‌دهد (مکوندی، مهرعلیزاده، حسین‌پور، ۱۳۹۷).

راهبردهای استخراج دانش ضمنی

۱. مصاحبه: مصاحبه رایج‌ترین روش استخراج دانش ضمنی در سطح فردی است. روش مصاحبه، پرسشگری از خبرگان است. این روش برای اکتساب دانش چپستی،

چگونگی، چرایی، رویه‌ای و مفهومی مفید است، اما چندان به صحت‌گذاری دانش نمی‌پردازد.

۲. داستان‌گویی سازمانی^۱: داستان ابزار ارزشمندی برای استخراج دانش چیستی، چگونگی و چرایی در سطح فردی است.

۳. یادگیری از طریق شنیدن^۲: در روش یادگیری از طریق شنیدن، مصاحبه‌شونده دانش خود را بیان و پالایش می‌کند و همزمان کارشناس دانش به شفاف‌سازی و اعتباربخشی این نوع دانش صریح می‌پردازد.

۴. یادگیری از طریق مشاهده: نگرش یادگیری از طریق مشاهده، شامل ارائه یک نمونه مشکل یا مورد مطالعاتی به یک خبره است که نسبت به حل آن اقدام می‌کند. اگرچه ما قادر به مشاهده دانش کسی نیستیم، اما می‌توانیم نسبت به مشاهده و شناسایی تخصصی اقدام کنیم.

۵. مطالعه موردی مستند^۳: مطالعه موردی فنی است برای ثبت یک مسئله مدیریتی همراه با شرایط محیطی و روندهای مؤثر بر آن و نیز ایده‌ها، پیش‌فرض‌ها و قضاوت‌هایی که این افراد تصمیم‌های خود را بر اساس آن اتخاذ می‌کنند (جعفری‌مقدم، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۷).

۶. تفسیر^۴: در این روش، خبره نحوه انجام یک وظیفه را تشریح می‌کند. این شیوه نوعی گزارش توسط خبره است که در آن فرایند تفکر خود را در حل مسئله یا انجام یک وظیفه بیان می‌کند.

۷. آموزش معکوس^۵: آموزش معکوس روشی است که در آن خبره چیزی را (مانند یک مفهوم) به کارشناس دانش توضیح می‌دهد و کارشناس دانش به‌منظور اعتبارسنجی آن، همان توضیحات را دوباره برای خبره بیان می‌کند. این فرایند تا زمانی که خبره نسبت به توضیحات تأیید دهد، تکرار می‌شود (نظافتی، رشیدی، قیچی‌فرد، ۱۳۹۵).

۸. شرح وقایع یادگیری: شرح وقایع یادگیری، روش مناسبی برای ضبط دانش ضمنی به‌ویژه در شکل گروهی آن است. این شرح‌ها نمایانگر تاریخچه‌ای کلی از رخداد‌های مهمی است که در گذشته نه‌چندان دور سازمان اتفاق افتاده و در

1. Storytelling
2. Learning From Listenning
3. Documented Case Study
4. Commentary
5. Teach Back

کلام افرادی که در آن شرکت داشته‌اند، بیان می‌شود.

۹. **یادگیری عملی:** در این شیوه می‌توان گروه‌های کوچکی را با مشارکت شرکت‌کنندگانی که هدف‌ها، نیازها یا یادگیری آن‌ها مشارکت است،

ارزشیابی کیفیت محصولات فرهنگی

ارزشیابی کیفیت با ارزیابی کمیت تفاوت اساسی و بنیادی دارد. شاخص‌های ارزشیابی کمی، چون خود کمی هستند، پس نتیجه آن کاملاً مشخص است و پژوهشگر در ارائه پاسخ دلهره چندانی ندارد؛ اما آنچه ذهن را همیشه مشغول کرده است، چگونگی ارزشیابی کیفیت‌هاست؛ زیرا یافتن شاخص‌هایی که بتواند ضرورت‌های پژوهش و بررسی را به درستی بنمایاند، امر بسیار دشواری است. نه تنها تعیین شاخص‌های معتبر دشوار است، بلکه گاهی میان افراد و متخصصان درباره محدود کردن موضوع و عوامل مؤثر بر آن، توافق کاملی وجود ندارد. با این حال باید دانست که ارزشیابی کیفیت چهار وجه دارد و در حقیقت می‌توان آن را منشوری چهاروجهی دانست و زمانی نتیجه کامل است که هر چهار وجه به‌طور شایسته، عالمانه و پژوهشگرانه مورد توجه قرار گیرد. این چهار وجه عبارت‌اند از: نظر عامل و سازنده، تفسیر حرفه‌ای‌ها، نظر مخاطبان، و نظر سازمانی. در اکثریت قریب به اتفاق ارزشیابی‌های کیفیت که در حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد، اغلب از چهار وجه برشمرده، تنها به دو وجه توجه می‌شود که عبارت‌اند از: نظر سازمانی و تا حدی نظر حرفه‌ای‌ها. خوشبختانه در جشنواره سینمایی فجر، نظر حرفه‌ای‌ها در دو شکل هیئت انتخاب و هیئت‌داوران متجلی است و نظر تماشاگران سینما نیز در ایام برگزاری جشنواره با سازوکار خاصی دریافت و در شب اختتامیه برنده آراء مردمی به دریافت سیم‌رخ جشنواره نائل می‌شود (خجسته، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱).

انواع شاخص

شاخص‌ها را از لحاظ «سطح» به شاخص‌های «کلان و خرد» و از لحاظ «ارتباط با موضوع» به شاخص‌های «مستقیم و غیرمستقیم» تقسیم می‌کنند. وسعت کاربرد و زمینه‌های متنوع موجب شده شاخص‌ها دارای انواع گوناگونی باشند که هر کدام کاربرد خاصی دارد و عبارتند از: شاخص‌های ویژه که در مقاطع خاصی دارای ارزش است مانند شاخص قیمت‌ها. نوع دیگر شاخص‌های ترکیبی است که دارای اشکال گوناگونی است: ترکیبی ساده، ترکیبی دوسطحی، ترکیبی وزنی، شاخص‌های یک یا چند درجه‌ای، شاخص - متن از گار فینگل است. منظور این است که شاخص جدا

از متن یا زمینه‌ای که برخاسته در نظر گرفته نشود، شاخص استنتاجی، شاخص عددی و شاخص‌های مرتبه‌ای (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

روش پژوهش

این پژوهش دارای رویکرد کیفی است و از «نظریه داده‌بنیاد» به‌عنوان روش پژوهش استفاده کرده است. نظریه داده‌بنیاد یک شیوه پژوهش کیفی است که به‌وسیله آن، با استفاده از یک دسته داده، نظریه‌ای تکوین می‌یابد به‌طوری‌که این نظریه در یک سطح وسیع، یک فرایند، عمل یا تعامل را تبیین می‌کند. در این روش، پژوهش را هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کنند و بعد آن را به اثبات برسانند، بلکه پژوهش از یک دوره مطالعاتی شروع و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به آن است، خود را نشان دهد (مکوندی، مهرعلیزاده، حسین‌پور، ۱۳۹۷).

تحقیق مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، با استفاده از مجموعه‌ای منظم از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، می‌تواند طراحی نظریه به روش استقرایی از داده‌ها را تسهیل کند. در طول تحقیق مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، محقق داده‌ها را تفسیر می‌کند و با رویکردی پویا، به بازتعریف یا پردازش تحلیل‌های نظری در حال پیدایش می‌پردازد. در واقع، هدف اصلی تحقیق مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد را می‌توان تبیین الگوهای عنوان کرد که فرایندهای اجتماعی نهفته در داده‌ها را تشکیل می‌دهند (انصاری و حق‌شناس گرگابی، ۱۳۹۵). چون در این پژوهش مقصود توسعه یک نظریه است (شناخت چگونگی استخراج و مستندسازی دانش ضمنی کارشناسان و داوران جشنواره فیلم فجر) تلاش می‌شود از پژوهش کیفی استفاده شود تا به سه مورد اصلی دست بیابیم:

۱. از مفهوم مورد نظر که پدیده‌ای کمتر شناخته شده است، پرده‌برداری شود تا مشخص گردد در پشت آنچه چیزی نهفته است؛

۲. جزئیات ظریفی از این مفهوم به دست آید که ارائه آن با روش‌های کمی دشوار است؛

۳. به‌جای تلاش برای توضیح صرف روابط علت و معلولی، به تفسیر موارد مرتبط با موضوع مورد نظر پرداخته و ابعاد مختلف آن روشن شود.

به این منظور تلاش می‌شود با استفاده از شیوه مصاحبه عمیق با گروه منتخبی از هنرمندان شاخص سینما که اغلب آن‌ها سوابقی در هیئت‌داوران جشنواره‌ها داشته‌اند، درمورد شاخص سازی برای داوری جشنواره فیلم فجر گفتگو شود. مصاحبه عمیق

یا ژرفانگر یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که می‌توان آن را گونه‌ای از مصاحبه تک‌به‌تک نیز در نظر گرفت. موفقیت مصاحبه‌های عمیق، بیش از مصاحبه‌های شخصی، بستگی به گفت‌وگوی صمیمانه‌ای دارد که بین مصاحبه‌گر و پاسخگو برقرار می‌شود. (ویمر، دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

جامعه آماری شامل هنرمندان و سینماگران فعالی بود که در جشنواره فیلم فجر در قالب هیئت‌داوران شرکت داشته‌اند از این میان برای به دست آوردن حجم نمونه لازم بود افرادی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گیرند. لکن مخالفت بخش زیادی از این جامعه آماری برای شرکت در مصاحبه‌های این پژوهش و انتخاب حجم نمونه در عمل با چالش‌هایی مواجه شد. این عدم رضایت به سه دلیل عمده بود: نارضایتی کلی از سیستم سینمایی کشور، نارضایتی از ادوار گذشته جشنواره و سوم حضور هنرمندان واجد شرایط در سر صحنه آثار جدید و مشغله‌های دیگر ایشان. از این رو محققان برای انجام این پروژه تصمیم گرفتند از روش نمونه‌گیری آسان^۱ برای تعیین حجم نمونه استفاده کرده و علاوه بر داوران جشنواره‌های فجر با هنرمندان برجسته‌ای که داوری سایر جشنواره‌های مشابه را نیز در کارنامه خود داشته‌اند مصاحبه نمایند. نمونه‌گیری آسان از جمله روش‌های نمونه‌گیری است که استفاده از جامعه آماری غیرممکن شود از این رو از افراد به دلیل دسترسی راحت و نزدیکی به محقق انتخاب می‌شوند (convenience-sampling, 2009).

در این پژوهش، برای معیار مقبولیت جهت ارتقای دقت علمی و روایی و پایایی، از موارد زیر استفاده شده است: حساسیت پژوهشگر در انسجام روش‌شناسی، متناسب نمودن نمونه، تکرار شدن یک یافته و استفاده از بازخورد مطلعان.

یافته‌های پژوهش

در این بخش در خصوص شکل کلی داوری در جشنواره اعم از موافقت یا مخالفت با روند جاری در ادوار گذشته جشنواره تا شیوه رأی‌گیری و ارائه شاخص‌های مدون برای این امر، بحث و گفتگو انجام گرفت. سپس با توجه به روش‌شناسی تحقیق نتایج این پژوهش داده‌بنیاد، موارد مهمی را به دست داده‌است که با استفاده از ساعت‌ها گفتگو و مباحثه به‌عنوان شاخص‌ها و ملاک‌های ارزیابی فیلم‌ها و آثار تولیدی می‌تواند در داوری جشنواره در ۵ رشته مختلف؛ تهیه‌کنندگی، فیلم‌برداری، فیلم‌نامه‌نویسی،

کارگردانی و بازیگری مورد استفاده واقع شود، اهم یافته‌ها در سه بخش زیر به تفکیک معرفی می‌شود.

الف) روند فعلی داوری جشنواره بر اساس نظرات کارشناسی

روند جشنواره فیلم فجر در داوری آثار در حال حاضر، بر مبنای انتخاب هیئت‌داورانی است که پس از انتصاب دبیر جشنواره از سوی بالاترین مقام رسمی متولی امور سینمایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، عمدتاً از بین متصدیان سینمای ایران انتخاب می‌شوند. اخیراً در برخی از دوره‌ها حضور یکی دو نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های مرتبط با رسانه نیز در میان هنرمندان عضو هیئت داوری دیده شده است.

جدول ۱. نظرات هنرمندان درباره روند فعلی داوری جشنواره فیلم فجر

درصد	نظرات هنرمندان شرکت‌کننده درباره روند فعلی جشنواره
۴۶/۲	مخالفم
۵۳/۸	موافقم
۱۰۰	جمع

همان‌گونه که در جدول شماره (۱) نشان داده شده است موافقت با روند فعلی داوری جشنواره اکثریت شکننده‌ای (۵۳/۸ درصد) را در بین هنرمندان خیره شرکت‌کننده در این پژوهش، به خود اختصاص داده است. از این رو نظر به مخالفت ۴۶/۲ درصدی شرکت‌کنندگان در این پژوهش با شیوه جاری داوری جشنواره فیلم فجر، می‌توان گفت روند فعلی داوری جشنواره دچار اشکالاتی است که مانع از پذیرش مقبولیت قاطع از سوی جامعه هنری شده و باید برای بهبود آن اقدام لازم صورت پذیرد.



شکل ۱. نمودار نظرات هنرمندان درباره روند فعلی داوری جشنواره فیلم فجر

این نتیجه در نمودار شماره (۱) به خوبی شکندگی وضعیت فعلی روند داوری جشنواره فیلم فجر را از دیدگاه هنرمندان خبره به نمایش گذاشته است. برای اطلاع از دلایل عدم موافقت نزدیک به نیمی از هنرمندان شرکت کننده در این تحقیق، با روند فعلی داوری جشنواره، مصاحبه کنندگان پرسش های مختلفی را با هنرمندان مصاحبه شونده در میان گذاشتند؛ که نتایج زیر حاصل این گفتگوهاست:

- عدم تعیین خط مشی صحیح، شفاف و هدفمند برای انتخاب آثار متقاضی شرکت در جشنواره
- عدم تطبیق داوری جشنواره با مدل های رایج بین المللی (اجماع نظر کارشناسان یا سیاست اعلامی هیئت داوران)
- اعمال نفوذ افراد یا گروه های خارج از جشنواره بر تصمیم نهایی داوران
- اعمال نظر داوران خارج از تخصص اصلی خویش به تمام بخش ها

ب) شاخص سازی برای داوری بخش های مختلف جشنواره

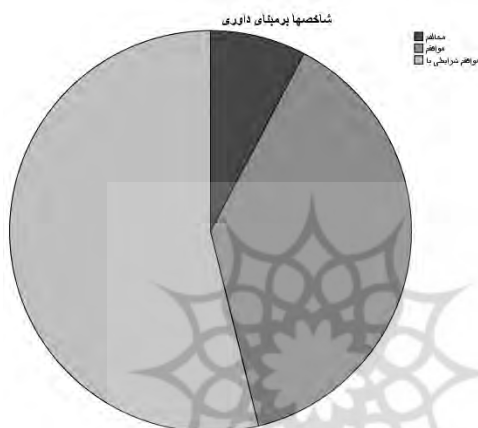
در جلسات کارشناسی پیش از انجام مصاحبه های این پژوهش، یکی از مهم ترین راه ها برای جلوگیری از اظهار نظرهای شخصی در امر داوری و نزدیک شدن به نظرات تخصصی دقیق تر در هر کدام از رشته های مورد بررسی برای اهدای جوایز بخش های مختلف جشنواره فیلم فجر تعیین شاخص های مختلف در این زمینه بوده است. این موضوع با تک تک هنرمندان شرکت کننده در بخش مصاحبه ها در میان گذاشته شد که نتایج آن در جدول شماره (۲) به شرح زیر است:

جدول ۲. نظرات هنرمندان شرکت کننده در پژوهش در خصوص شاخص سازی برای داوری آثار جشنواره فیلم فجر

درصد	نظرات هنرمندان شرکت کننده درباره شاخص
۷/۷	مخالفم
۳۸/۵	موافقم
۵۳/۸	با شرایطی موافقم
۱۰۰	جمع

همان گونه که در جدول شماره (۲) مشاهده می شود ۳۸/۵ درصد از هنرمندان حاضر در این تحقیق به طور کامل با شاخص سازی برای داوری جشنواره موافق اند؛ که با احتساب نظرات ۵۳/۸ درصد شرکت کنندگان در پژوهش که تحت شرایطی با موضوع شاخص سازی موافقت داشته اند می توان گفت اکثریت غالب هنرمندان مورد مصاحبه (۹۲/۳ درصد) با

ساختن شاخص‌هایی برای داوری مخالفتی نداشته‌اند. مهم‌ترین شرطی که هنرمندان برای موافقت با این مورد اعلام کرده‌اند آن است که شاخص سازی نباید مانع اجتهاد هنری هنرمندان در هنگام ارائه آرای داوران باشد. همچنین تمامی هنرمندان بر این نکته تأکید داشته‌اند همچنین تمامی هنرمندان بر این نکته تأکید داشته‌اند که چنانچه ارائه شاخص برای داوری جشنواره، به نظام دیوانسالارانه دولت در تصمیم‌سازی برای انتخاب آثار برتر بیانجامد، به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست.



شکل ۲. نمودار نظرات هنرمندان این پژوهش درخصوص شاخص سازی برای داوری جشنواره فیلم فجر
موضوع شاخص سازی برای داوری بخش‌های مختلف جشنواره فیلم فجر از نظر هنرمندان شرکت کننده در این پژوهش در نمودار شماره (۲) به صورت تفکیک درصدها قابل مشاهده و تشخیص است.

ج) نظرات تخصصی درباره ۵ حرفه اصلی مورد نظر تحقیق

تعیین شاخص‌های اصلی برای داوری آثار جشنواره به عنوان هدف اصلی این پژوهش بوده است. لذا همان‌گونه که گفته شد پس از مطالعات نظری و برگزاری جلسات مختلف کارشناسی، شاخص‌های اولیه‌ای برای داوری ۵ جایزه اصلی جشنواره فیلم فجر؛ تهیه‌کنندگی، فیلم‌برداری، فیلم‌نامه‌نویسی، کارگردانی و بازیگری تهیه و به عنوان پایلوت برای شکل‌گیری هسته اولیه گفتگو با هنرمندان منتخب جامعه آماری مورد استفاده قرار گرفت. آنچه در پی خواهد آمد نتایج حاصل از مصاحبه‌های عمیق و تخصصی برای تعیین نهایی شاخص‌های مذکور است.

ج-۱) شاخص‌های داوری بخش تهیه‌کنندگی

در جشنواره فیلم فجر، رسم بر این است که جایزه سیمرغ بلورین بهترین فیلم جشنواره به تهیه‌کننده اثر، اهدا می‌شود. از این رو در خصوص شاخص‌های لازم برای تعیین بهترین تهیه‌کنندگی در فیلم‌های جشنواره پس از مطالعات نظری و انجام جلسات کارشناسی پیش از انجام مصاحبه‌ها شاخص‌های این رشته شناسایی و نظر هنرمندان شرکت‌کننده در مصاحبه درباره این شاخص‌ها مورد پرسش قرار گرفت که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

جدول ۳. شاخص‌های ارزیابی فیلم‌های سینمایی جشنواره فجر بر اساس نظر داوران این جشنواره

ردیف	شاخص ارزیابی	وزن اهمیت	درصد
۱	توجه به نیازهای فرهنگی جامعه	۱۰۰	۲۵
۲	خلاقیت	۱۰۰	۲۵
۳	اهمیت سوژه	۷۶	۲۰
۴	مسائل مبتلابه جامعه	۷۶	۲۰
۵	مخاطب‌پسند	۶۲	۱۵

در همین زمینه هنرمندان شرکت‌کننده در مصاحبه‌های این پژوهش به شاخص‌های دیگری اشاره کرده‌اند که می‌تواند در روند فعالیت هیئت داوران مورد توجه و استفاده قرار گیرد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

ارتقاء سطح نگاه مخاطب به سینمای ایران، ارتقاء فنی و تکنیکال و هنری، توجه به اخلاقیات، توجه به شخصیت و سواد تهیه‌کننده که می‌تواند در جهت بهتر شدن فیلم‌نامه و کل فیلم مؤثر باشد، انتخاب عوامل مناسب، توجه به فرهنگ بومی و الگوهای فرهنگی نظیر اسطوره‌ها و نامداران تاریخ کهن و معاصر ایران، توجه به مسائل مغفول مانده در نگاه رسمی

ج-۲) شاخص‌های داوری بخش فیلم‌برداری

فیلم‌برداری یکی از ارکان پدیدآمدن یک اثر سینمایی است و جایزه سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌برداری جشنواره فیلم فجر همواره مورد توجه دست‌اندرکاران تهیه و تولید سینمای ایران بوده است. از این رو شاخص‌های لازم برای تعیین بهترین فیلم‌بردار در داوری فیلم‌های جشنواره از نظر هنرمندان شرکت‌کننده در مصاحبه، مورد پرسش قرار گرفت که نتایج زیر حاصل نظرات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌باشد.

جدول ۴. شاخص‌های داوری فیلم‌برداری فیلم‌های سینمایی جشنواره فجر براساس نظر داوران جشنواره

ردیف	شاخص	اهمیت	درصد
۱	کادربندی	۱۰۰	۲۰
۲	زیبایی‌شناسی تصویر	۱۰۰	۲۰
۳	توجه به جهان متن	۸۰	۱۵
۴	کمک به کارگردان برای خلق فضای موردنظر	۷۵	۱۶
۵	تسلط بر ابزار و فناوری	۷۰	۱۴
۶	نور و تکنیک	۸۰	۱۵

همچنین برخی از هنرمندان شرکت‌کننده در این پژوهش با تأکید بر نقش مؤثر فیلم‌بردار در کمک و مشاوره با کارگردان، نقش رنگ و شناخت آثار رنگ‌ها در داوری فیلم‌برداری را نیز مورد اشاره قرار داده‌اند.

ج-۳) شاخص‌های داوری بخش فیلم‌نامه‌نویسی

«فیلم‌نامه» اولین رکن شکل‌گیری یک اثر سینمایی است و سیمرخ بلورین فیلم‌نامه‌نویسی یکی از جوایز اصلی هر دوره از جشنواره فیلم فجر به شمار می‌رود. به همین دلیل شاخص‌های داوری در بخش «فیلم‌نامه‌نویسی» از نظر هنرمندان شرکت‌کننده در مصاحبه، مورد پرسش قرار گرفت که نتایج زیر حاصل نظرات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌باشد:

جدول ۵. شاخص‌های داوری فیلم‌نامه جشنواره فیلم فجر

ردیف	شاخص داوری	وزن	درصد
۱	اهمیت ایده و سوژه	۱۰۰	۲۲
۲	شخصیت‌پردازی	۱۰۰	۲۲
۳	قدرت دیالوگ	۱۰۰	۲۲
۴	پیرنگ	۸۵	۱۷/۵
۵	ساختار	۷۵	۱۶/۵

در کنار شاخص‌های گفته شده به سایر موارد نیز اشاره کرده‌اند که به این شرح است: داستان‌گویی درست، تازه بودن و نوبودن بدون ادا درآوردن، توجه به روان‌شناسی شخصیت، مسائل مبتلابه جامعه، فضا سازی، مضمون، بان کاراکتر، توجه به فرهنگ بومی و نیاز اجتماعی

ج-۴) شاخص‌های داوری بخش کارگردانی

«کارگردان» به‌عنوان صاحب اثر شناخته می‌شود و شاید بتوان سیمیرغ بلورین بهترین کارگردانی را مهم‌ترین جایزه جشنواره فیلم فجر تلقی کرد. از همین رو شاخص‌های داوری در بخش «کارگردانی» از نظر هنرمندان شرکت‌کننده در مصاحبه، مورد پرسش قرار گرفت که نتایج زیر حاصل نظرات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه است:

جدول ۶. شاخص‌های داوری کارگرانی فیلم‌های جشنواره فجر بر اساس نظر داوران جشنواره

ردیف	شاخص داوری	وزن	درصد
۱	خلاقیت	۱۰۰	۲۵
۲	دکوپاژ	۱۰۰	۲۵
۳	میزانسن	۹۰	۲۰
۴	پردازش داستان	۶۰	۱۵
۵	توجه به اولویت‌های فرهنگی جامعه	۶۰	۱۵

سایر موارد نیز عبارت‌اند از: انتخاب ایده و سوژه، توجه به تکنیک‌های جدید با الهام از هنر، احاطه به تمام امور اعم از محتوا تا انتخاب صحیح عوامل، انتخاب فیلم‌نامه و کشف لایه‌های درونی فیلم‌نامه، قصه‌گویی و روایت‌گری، زیبایی‌شناسی و نشانه‌شناسی بصری و تکنیک‌های مدرن کارگردانی و مطالعات فرهنگی.

ب-۵) شاخص‌های داوری بخش بازیگری

«بازیگری» ازجمله رشته‌هایی است که بیش از سایر فعالیت‌ها موردتوجه تماشاگران به‌عنوان مخاطبان رسانه سینما قرار می‌گیرد و سیمیرغ بلورین بازیگری در هر دو بخش زن و مرد یکی از پرچالش‌ترین انتخاب‌ها در داوری ادوار مختلف جشنواره فیلم فجر بوده‌است. به همین دلیل شاخص‌های داوری در بخش «بازیگری» فارغ از جنسیت بازیگر، از نظر هنرمندان شرکت‌کننده در مصاحبه، مورد پرسش قرار گرفت که نتایج زیر حاصل نظرات مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش است:

جدول ۷. شاخص‌های داوری بازیگری فیلم‌های جشنواره فجر بر اساس نظرات داوران جشنواره

ردیف	وزن	درصد
۱	۱۰۰	۲۰
۲	۱۰۰	۲۰
۳	۷۵	۱۵
۴	۷۵	۱۵
۵	۷۵	۱۵
۶	۷۵	۱۵

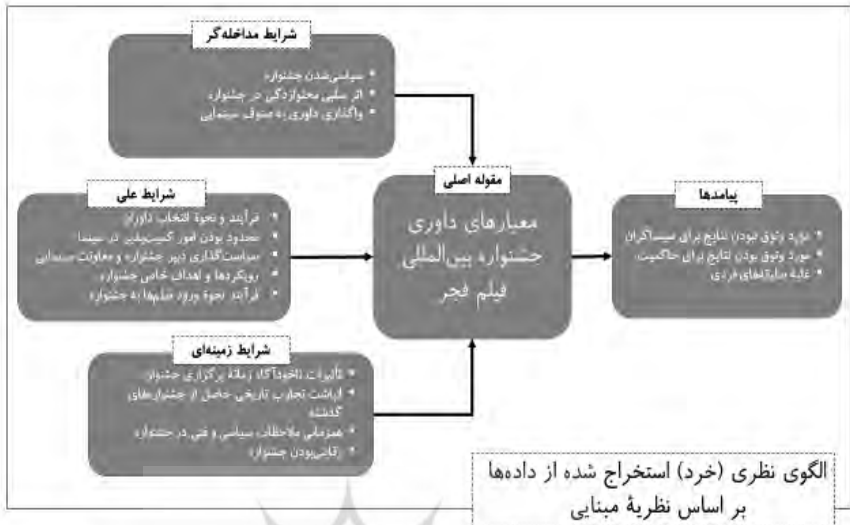
همچنین موارد دیگری را نیز به عنوان شاخص‌های داوری بخش بازیگری معرفی کرده‌اند؛ که عبارت‌اند از: توجه به لازمه نقش، گذاشتن زمان کافی برای توجه به نقش، عدم تکرار نقش‌های قبلی و گذشته بازیگر، تکنیک، شناخت از خود شامل: تداوم حس، تداوم حافظه، صدای بازیگر، رابطه با بازیگران مقابل، صمیمیت در ایفای نقش.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصله، اعم از تحقیقات پیشین، مطالعات نظری، جلسات کارشناسی و نتایج مصاحبه‌های عمیق با هنرمندان سرشناس و داوران دوره‌های گذشته جشنواره فیلم فجر، می‌توان موارد ذیل را به عنوان نتایج نهایی این پژوهش اعلام کرد:

الف) الگوی نظری (خرد) استخراج شده از داده‌ها بر اساس نظریه‌مبنایی

این الگو ضرورت ایجاد معیارها و شاخص‌هایی را بیان می‌کند که بتواند پیامدهای منفی حاصل از داوری فیلم‌های جشنواره را در ادوار مختلف برطرف نماید. بر اساس نظر کارشناسان شرکت‌کننده در این تحقیق که اکثراً از سینماگران و داوران جشنواره فیلم فجر هستند عواملی که باعث غلبه نظرات فردی در تصمیم‌گیری‌های نهایی هیئت داوران می‌شود و به مورد وثوق نبودن نتایج داوری برای اهالی سینما و حاکمیت به عنوان سیاست‌گذار فرهنگی کشور می‌انجامد عوامل متعددی را در برمی‌گیرد که دایره‌گفتمانی آن از سیاسی شدن جشنواره تا تأثیرات ناخودآگاه زمانه برگزاری جشنواره را در برمی‌گیرد.



شکل ۳. الگوی نظری خرد استخراج شده از داده‌ها بر اساس نظریه مبنایی

بر اساس الگوی نظری اگر مقوله اصلی این تحقیق را انتخاب معیارهای داوری جشنواره بین‌المللی فجر بدانیم که می‌تواند مانع از پیامدهایی شود که به عدم وثوق نتایج نهایی داوری برای اهدای سیم‌غ بلورین به برندگان می‌شود شرایط سه‌گانه‌ای بر این مقوله مترتب است که عبارت‌اند از:

- **شرایط مداخله‌گر:** سیاسی شدن جشنواره، اثر سلبی محتوایزدگی در جشنواره و واگذاری داوری به صنوف
 - **شرایط علی:** فرآیند و نحوه انتخاب داوران، محدود بودن امور کمیته‌پذیر در سینما، سیاست‌گذاری دبیر جشنواره و معاونت سینمایی، رویکردها و اهداف خاص جشنواره، فرآیند نحوه ورود فیلم‌ها به جشنواره
 - **شرایط زمینه‌ای:** تأثیرات ناخودآگاه زمان برگزاری جشنواره، انباشت تجارب تاریخی حاصل از جشنواره‌های گذشته، هم‌زمانی ملاحظات سیاسی و فنی در جشنواره، رقابتی بودن جشنواره
- برای اشراف بیشتر بر این الگو، هریک از بخش‌های مختلف آن به تفکیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

الف-۱) مقوله اصلی: معیارهای داوری جشنواره بین‌المللی فجر به‌عنوان مقوله اصلی تحقیق بر موارد مهم زیر اشراف دارد:

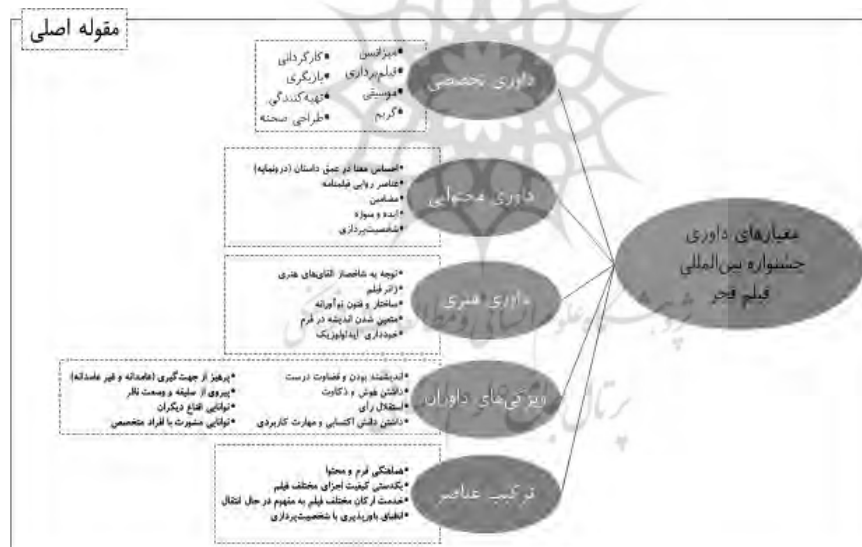
- **داوری تخصصی:** میزاسن، فیلم برداری، موسیقی، گریم، کارگردانی، بازیگری، تهیه کنندگی، طراحی صحنه

- **داوری محتوایی:** احساس معنا در عمق داستان (درونمایه)، عناصر روایی فیلم نامه، مضامین، ایده و سوژه، شخصیت پردازی

- **داوری هنری:** توجه به شاخص القای های هنری، ژانر فیلم، ساختار و فنون نوآورانه، متعین شدن اندیشه در فرم، خودداری ایدئولوژیک

ویژگی های داوران: اندیشمند بودن و قضاوت درست، داشتن هوش و ذکاوت، استقلال رأی، داشتن دانش اکتسابی و مهارت کاربردی، پرهیز از جهت گیری (عامدانه و غیر عامدانه)، پیروی از سلیقه و وسعت نظر، توانایی اقتناع دیگران، توانایی مشورت با افراد متخصص

ترکیب عناصر: هماهنگی فرم و محتوا، یکدستی کیفیت اجزای مختلف فیلم، خدمت ارکان مختلف فیلم به مفهوم در حال انتقال، انطباق باورپذیری با شخصیت پردازی



شکل ۴. برش مقطعی از الگوی نظری - مقاله اصلی

الف) ۲ شرایط علی

شرایطی که می تواند در علل مقبولیت یا عدم مقبولیت آراء هیئت داوران مؤثر باشد عبارت اند از: فرایند و نحوه انتخاب داوران، محدود بودن امور کمیته پذیر در سینما،

معیارسازی برای داوری فیلم سینمایی با استفاده از دانش [...]

سیاست‌گذاری دبیر جشنواره و معاونت سینمایی، رویکردها و اهداف خاص جشنواره، فرایند نحوه ورود فیلم‌ها به جشنواره



شکل ۵. برش مقطعی از الگوی نظری - شرایط علی

الف-۳) شرایط مداخله‌گر: علاوه بر شرایط علی که بر شمرده شد، شرایط دیگری نیز بر مقوله اصلی تحقیق مؤثر هستند که دامنه آن از سیاسی شدن جشنواره تا اثر سلبی محتوای گسترده است و به واگذاری داوری به صنوف سینمایی نیز مرتبط است. این شرایط مداخله‌گر به‌طور جزئی‌تر در شکل زیر نمایش داده شده است.



شکل ۶. برش مقطعی از الگوی نظری - شرایط مداخله‌گر

الف-۴) شرایط زمینه‌ای

شرایط فرهنگی، اجتماعی زمان برگزاری جشنواره در هر دوره می‌تواند یکی دیگر از دسته عواملی باشد که بر جریان داوری فیلم‌های جشنواره مؤثر باشد. بر اساس نتایج این تحقیق این شرایط را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد.



شکل ۷. برش مقطعی از الگوی نظری - شرایط زمینه‌ای

الف-۵) پیامدها

پیامدهایی که اعلام نتایج داوری بدون داشتن معیارهای مدون جهت انتخاب آثار برتر در ادوار مختلف جشنواره دیده شده است در عواملی دسته‌بندی می‌شود که در شکل زیر بیان شده است.



شکل ۸. برش مقطعی از الگوی نظری - پیامدها

ب) الگوی داستانی نظریه خرد

با وجود آنکه تقریباً همه کارشناسان و سینماگران مشارکت‌کننده در این پژوهش با نگارش دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های کمی (همچون آئین‌نامه‌های ارتقای اعضای هیئت علمی) برای داوران جشنواره فیلم فجر مخالف‌اند، اما همچنین معتقدند که داوری این جشنواره باید از معیارهایی مورد توافق (به‌ویژه در بخش تخصصی برخوردار باشد. دلیل این اعتقاد آن است که امور محدود و اندکی در سینما وجود دارد که از قابلیت کمیت‌پذیری برخوردار باشد و اساساً ذات هنر و فرهنگ به دلیل خلاقه بودن و نوآورانه بودن همچون مهندسی قابلیت کمی‌سازی ندارد. علاوه بر این، معیارهای داوری از مسیر عواملی چون رویکردها و اهداف جشنواره، سیاست‌گذاری‌های دبیر و معاونت سینمایی، نحوه ورود فیلم‌ها به جشنواره و مهم‌تر از همه از مسیر فرآیند انتخاب داوران طی می‌کند، به منصه ظهور می‌رسد.

همچنین معیارهای داوری از شرایطی زمینه‌ای همچون ماهیت رقابتی جشنواره،

تأثیرات حال و هوای زمانه برگزاری، انباشت تجارب تاریخی ناشی از برگزاری جشنواره در دوره‌های قبل و پیگیری هم‌زمان ملاحظات سیاسی و هنری تأثیر می‌پذیرد اما عواملی چون سیاست‌زدگی، واگذاری کلیه مراحل داوری به صنوف سینمایی، توجه صرف به محتوا و موضوع آثار به جای رویکرد جامع‌تر مبتنی بر ویژگی‌های هنری، تخصصی و محتوایی و ترکیب آن‌ها، با داوری ظابطه‌مند جشنواره سازگار نیست و با آن تداخل پیدا خواهد کرد.

در نهایت، داوری معیارمند یا بدون معیار جشنواره به پیامدهایی چون مورد وثوق نبودن نتایج جشنواره برای سینماگران در مقابل پذیرش و مطلوبیت آن برای حاکمیت و یا غلبه اراده‌های فردی بر استراتژی‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای منجر خواهد شد.

پیشنهادها

بر اساس الگوهای نظری و داستانی برآمده از داده‌ها و نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱. روند فعلی جشنواره در مرحله انتخاب آثار و بخش داوری نیاز به بازنگری و اصلاح دارد. در این زمینه یک پیشنهاد بنیادین و دو پیشنهاد اصلاحی از سوی کارشناسانی که مورد مصاحبه واقع شده‌اند، مطرح گردیده است. پیشنهاد بنیادین که باعث تغییر کلی روند جشنواره بوده و از سوی اقلیتی از کارشناسان مطرح شده، آن است که جشنواره به‌عنوان جشن رسمی سینمای ایران در دهه فجر، صرفاً به عنوان زمانی برای نمایش جدیدترین تولیدات سالانه سینمای ایران برگزار شود و در این بخش به جای استفاده از هیئت‌داوران، نظرات عموم تماشاگران تعیین‌کننده بهترین فیلم جشنواره باشد. در این صورت جشن خانه سینما برای تعیین برترین‌های هر بخش به نظر اجماعی متخصصان هر رشته سپرده شود. همان‌گونه که عنوان شد این نظر به‌عنوان یک نظر جانبی برای تغییرات بنیادین در جشنواره از اقلیت نسبی برخوردار بوده است؛ در عوض نظر اصلاحی اغلب مصاحبه‌شوندگان برپایه دو پیشنهاد مشخص است:

پیشنهاد اول: سپردن انتخاب فیلم‌ها برای بخش مسابقه به کانون‌های صنفی هرکدام از صنوف سینمایی؛

پیشنهاد دوم: انتخاب یکی از دو مدل رایج جشنواره‌ای در جهان (استفاده از آرای آکادمی یا تعیین سیاست‌های کلی هر دوره تحت هدایت رئیس هیئت‌داوران)؛


معیارسازی برای داوری فیلم سینمایی با استفاده از دانش [...] ۱

- با توجه به مطالب گفته شده، پیشنهادهایی که از شماره ۲ تا شماره ۷ مطرح گردیده، مبتنی بر بخش دوم از پیشنهاد دوم است که ناظر بر تعیین سیاست‌های کلی هر دوره تحت هدایت رئیس هیئت داوران است.
۲. شرکت هرکدام از اعضای هیئت داوران فارغ از تخصص اصلی‌شان در فرایند داوری جشنواره با توجه به صبغه هنری‌شان و فعالیت حرفه‌ای‌شان در حوزه فیلم‌سازی، ایراد بنیادین محسوب نمی‌شود.
۳. اعمال شاخص برای انجام فرایند داوری در جشنواره فیلم فجر مشروط به دو شرط زیر می‌تواند در اصلاح ساختاری انتخاب نهایی آثار برگزیده مورد استفاده قرار گیرد. این دو شرط عبارت‌اند از:
- ۳-۱. شاخص سازی نباید سبب تبدیل یک فرایند کیفی به کمی در تشخیص هنری و اظهارنظر تخصصی و اجتهادی نخبگان فرهنگی و هنری در تعیین بهترین‌های سینمای ایران شود.
- ۳-۲. ایجاد شاخص‌ها برای هیئت داوران نباید به عنوان یک ابزار نظارتی برای اعمال نظر مدیران و تأثیر بر دیدگاه هنری داوران محسوب شود.
۴. معیارهای ارزیابی فیلم‌های سینمایی در مشاغل موردنظر پیش از برگزاری جشنواره از طریق بحث و گفتگو با داوران، مشخص و به اطلاع شرکت کنندگان رسانده شود.
۵. به منظور ارتقاء داوری و ارزیابی فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مخصوصاً جشنواره‌های سینمایی، پیشنهاد می‌شود از اساتید دانشگاه یا منتقدانی که علاوه بر توجه به رویکرد فرمالیستی، به دقایق نظری نیز توجه دارند، در گروه داوران استفاده شود.
۶. نتایج داوری‌های هر جشنواره، بعداً در گروه‌های کارشناسی موردنقد و بررسی قرار گیرد تا نقاط قوت و ضعف معیارهای داوری معلوم و تکمیل شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Hassan Khojasteh  <https://orcid.org/0000-0001-5854-7533>

Alireza Dabbagh  <https://orcid.org/0000-0003-3370-1738>

منابع و مأخذ

- اربابی، محمود. امین فرد، احمد. کمالی، سیدمجید، بیرامی، مریم (۱۳۹۴). شاخص پژوهی سینما از منظر ذی نفعان و مخاطبین. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران. مؤسسه نشر شهر.
- الهی، شعبان؛ بهاریفر، علی (۱۳۸۳). «طراحی ساختار نظام مستندسازی تجربیات سازمانی مدیران». *پژوهش‌های مدیریت در ایران*. ۲۳-۲۰، ۵۲-۵۱.
- انصاری و حق شناس گرگابی (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین عوامل کلیدی موفقیت دانش محور شدن شرکت‌های تولیدی ایران بر اساس روش نظریه زمینه‌ای. *فصلنامه مدیریت توسعه فناوری*، ۴(۲)، ۴۱-۷۴.
- doi:10.22104/jtdm.2017.1974.1686
- بهلولی فسخودی، محسن (۱۳۹۸). تحلیل نسبت دانش ضمنی با دانش صریح. *فصلنامه ذهن*. ۲۰(۸۰) ۱۵۱-۱۷۶.
- جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۶). مستندسازی تجربیات مدیران از دیدگاه مدیریت دانش، چاپ دوم، تهران: موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- خجسته، حسن (۱۳۹۳). مدیریت رسانه. نشر تیسرا.
- رضویان، علی و متولیان، علی (۱۳۸۵). «دانش مدیریت کسب و کار، دستاوردها و چالش‌های صنعت پتروشیمی ایران»، *ویژه‌نامه دومین کنفرانس بین‌المللی فناوری اطلاعات و توسعه*، تهران، ۱-۱۱.
- مکوندی، محمد، مهرعلی زاده، یدالله و حسین پور، محمد (۱۳۹۷). شناسایی و تبیین چگونگی استخراج و مستندسازی دانش ضمنی کارکنان و مدیران شرکت‌های تولیدی منطقه آزاد اروند با استفاده از نظریه داده بنیاد. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۱(۴)، ۱۶۲-۲۰۰.
- doi:10.30481/lis.2019.76999
- نظافتی، نادر؛ رشیدی، محمد و فیچی فرد، مراد (۱۳۹۵). «تکنیک‌های کامپارس و استخراج دانش یک روش ساختاری»، *دانش چشم‌انداز مدیریت عمومی*، شماره ۱۴، ۶۳-۸۶.
- ویمر، راجر، دی. دومینیک، جوزف، آر (۱۳۸۴). تحقیق در رسانه‌های جمعی، کاووس سیدامامی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- Cavusgil, Calantone and zhao, 2003, Tacit Knowledge Transfer and Firm Innovation Capability, *Journal of Business & Industrial Marketing* 18(1):6-21 February 2003. doi.org/10.1108/08858620310458615.
- convenience-sampling (2009). Retrieved October 19, 2019. <https://explorable.com/convenience-sampling>
- Mathieu Chris, Barstels Marianne (2011). Creativity at work: Film festival prize juries, *Copenhagen Business school*. December 2011.24-69.
- McAdam, Mason & McCrory (2007), Exploring the dichotomies within the tacit knowledge literature: towards a process of tacit knowing in organizations. *Journal of Knowledge*. 10 April 2007. 47-51.
- Polanyi, M, (1958). *Personal Knowledge*, Routledge and Kegan Paul, London.

Arbabi, Mahmoud. Amin Fard, Ahmed. Kamali, Sidmjid, Bayrami, Maryam. (2014). Cinema research index from the point of view of stakeholders and audiences. Tehran Municipal Art Cultural Organization. Shahr Publication Institute. **[in Persian]**

Elahi, Sha'ban; Baharif, Ali (2004). "Designing the structure of the system for documenting managers' organizational experiences". *Management studies in Iran*, volume 9, number 20, October 2014, 52-23. **[in Persian]**

Ansari and Haqkhonas Gregabi. (2015). Identifying and explaining the key success factors of knowledge-oriented manufacturing companies in Iran based on grounded theory method. *Technology Development Management Quarterly*, Volume 4. Number 2, 41-74. doi:10.22104/jtdm.2017.1974.1686. **[in Persian]**

Bohlooli Faskhudi, Mohsen. (2018). Analyzing the ratio of tacit knowledge to explicit knowledge. *Mind Quarterly*. Winter 2018 No. 80, 176-151. **[in Persian]**

Jafari Moghadam, Saeed, 2016, Documenting the experiences of managers from the perspective of knowledge management, Tehran: Management Research and Training Institute, second edition.. **[in Persian]**

Khojaste, Hassan. (2013). Media management. Tisa publication. **[in Persian]**

Razavian, Ali and Mutolian, Ali. (2015). "Business management knowledge, achievements and challenges of Iran's petrochemical industry", the second international conference on information technology and development, Tehran, 1-11. **[in Persian]**

Makvandi, Mohammad, Mehralizadeh, Yadullah and Hosseinpour, Mohammad. (2017). Identifying and explaining how to extract and document the tacit knowledge of employees and managers of manufacturing companies in Azad Arvand region using data base theory. *Library and Information Quarterly*. Volume 21, Number 4 - Serial Number 84 Winter 2017. 162-200. doi:10.30481/lis.2019.76999. **[in Persian]**

Rashidi, Mohammad and Ghaichifard, Murad. (2015). "Compares techniques and knowledge extraction of a structural method", *Public Management Perspective Knowledge*, No. 14, 63-86. **[in Persian]**

Wimmer, Roger, D. Dominic, Joseph, R. (2004). Research in Mass Media, Kavos Seyyed Emami, Tehran: Soroush Publications and Programmatic Research, Studies and Evaluation Center. **[in Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی